۱۹۰ - ای ياران الهی

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۱۹۰ - ای ياران الهی

ای ياران الهی، ملاحظه نمائيد که در اين امر عظيم چقدر بلايا و رزايا و مصائب و بليّات بر احبّای الهی وارد چقدر نفوس بقربانگاه عشق در نهايت وجد و سرور شتافتند و چقدر اشخاص جان و مال و منال بتالان و تاراج دادند چقدر اطفال صغير که يتيم گشتند و چقدر مادران ناتوان اولاد نازنين خويش را بخون آغشته مشاهده نمودند چه بنيانها که بر باد رفت و چه بزرگوارها بی سر و سامان گشتند بسا اهل صدر جلال بصفّ نعال افتادند و مستقرّين بر سرير اسير حصير شدند علی الخصوص حضرت اعلی روحی له الفداء صدر مبارکش هدف هزار تير رصاص شد و جمال قدم گردن مبارکش در زير سلاسل و اغلال افتاد از ايوان اسير زندان گشت و مبتلا در دست عوانان معرض ضرب شديد شد و مورد طعن شنيع از چهار مملکت منفيّ و سرگون شدند و از منفائی به منفای ديگر ارسال گرديدند تا آنکه بيست و دو سال در سجن اعظم مسجون گرديد هميشه درتحت تهديد شمشير بود و بکرّات و مرّات اسير اغلال و زنجير گشت و همچنين نفوس مقدّسی که اليوم ملأ اعلی بنور جبينشان روشن و منير است چه صدمات که خوردند و چه بلايا که تحمّل فرمودند و عاقبت کأس موهبت کبری را از لب شمشير نوشيدند. و مقصود از همه اينها اين بود که نفوس مقدّسه‌ای تربيت شوند و در ظلّ کلمة ‌الله باعظم کمالات عالم انسانی موفّق شوند چون شمع بر افروزند و جهان ظلمانی را روشن نمايند بنيان نفس و هوی براندازند و بنياد روح و تقوی بلند نمايند نور توحيد بخشند و فيض جديد مبذول دارند. آيا سزاوار است سلوکی جز بر قدم ايشان؟ لا و اللّه اينست موهبت عظمی اينست نشئه صهبای هدی اينست مسرّت کبری مادون آن عاقبتش خسران مبين است و ذلّ و هوان بی مثل و نظير. پس ای ياران الهی از هر فکری بگذريد و از هر انديشه‌ای چشم پوشيد اهتمام بامری نمائيد که عاقبتش نور مبين باشد و شمع علّيّين و الّا يا حسرة علی العباد.

